محمود اکرامی‌فر در گفت‌وگو با «جوان» از وضعیت شعر دفاع مقدس می‌گوید

شعر امروز دفاع مقدس به‌روز و دغدغه‌مند است

احمد محمدتبریزی

شعر یکی از حوزه‌های جذاب ادبیات دفاع مقدس است که در میان مردم جامعه مخاطبان و علاقه‌مندان زیادی دارد. شاعران از همان اولین روزهای جنگ شروع به سرودن شعر کردند و این روند تا همین امروز ادامه دارد. شعر دفاع مقدس از آغاز تا به حال مراحل مختلفی را طی کرده و در هر دوره به موضوعاتی خاص پرداخته است. دکتر محمود اکرامی‌فر از شاعران برجسته و پیشکسوت کشورمان در گفت‌وگو با «جوان» ضمن بررسی وضع کیفی شعر دفاع مقدس از دوره‌های مختلف این گونه شعری می‌گوید.

شعر دفاع مقدس از آغاز تا به امروز چه دوران و مراحلی را پشت سر گذاشته است؟

اگر بخواهیم سیر تکاملی و تحولی شعر دفاع مقدس را بررسی کنیم باید بگوییم دوران ابتدایی جنگ، دوران شعر تهییجی دفاع مقدس بود و شعر دفاع مقدس وظیفه‌اش ایجاد شور و هیجان در جامعه بود. در مرحله دوم به شعر تهییجی- توصیفی دفاع مقدس می‌رسیم که اشعار شاعرانی مثل آقای نصرالله مروانی در وصف شهدا و ایثارگری‌هایشان منتشر شد. بعد از این مرحله شعر «تو چرا می‌جنگی؟/ پسرم می‌پرسد» محمدرضا عبدالملکیان در قالب هست که این شعر سرآغاز مرحله دیگری از شعر دفاع مقدس به نام شعر تبیینی دفاع مقدس است. شاعر در این مرحله باید شرایط و چرایی دفاع مقدس را تبیین می‌کرد. در مرحله قبل به چگونگی دفاع مقدس می‌پرداخت ولی در این مرحله به چرایی دفاع مقدس می‌پردازد. مرحله چهارم که مرحله طولانی‌تری است و الان هم داخلش قرار داریم مرحله شعرهای اجتماعی دفاع مقدس است. در این مرحله شاعر علاوه بر اینکه به چرایی دفاع مقدس پاسخ می‌دهد و حتی سؤال‌های دیگری هم می‌پرسد. مثل سؤالاتی که به تازگی درباره چرایی عملیات کربلای ۴ مطرح شده است. شاعر باید در پاسخ این سؤالات را بدهد و همچنین باید زبان خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران باشد. البته این به معنای این نیست که یک مرحله تمام و یک مرحله شروع شده بلکه به این معناست که در این مرحله شعر در این زمینه بیشتر سروده شده است. گاهی اوقات شعر اعتراض هم در مرحله چهارم سروده می‌شود.

در حال حاضر وضعیت شعر دفاع مقدس را چطور ارزیابی می‌کنید؟

شرایط شعر دفاع مقدس تا کنگره بیستم شرایط ایده‌آل و روبه جلویی بود. این کنگره تقریباً شش سال پیش برگزار شد. در فاصله این شش سال تقریباً کسی نگفت حال شعر و ادبیات دفاع مقدس چطور است و زحماتی که ما و برخی دوستان در پژوهشگاه بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس کشیده بودیم و رشته‌ای به نام ادبیات پایداری یا ادبیات دفاع مقدس در دانشگاه‌ها شکل گرفته بود نادیده گرفته شد. یکباره نهادهایی که پشتیبانی و حمایت می‌کردند انگار شعر و ادبیات دفاع مقدس برایشان در اولویت دوم قرار گرفت و دیگر کنگره‌ای برگزار نشد و مرکزی که به همراه دوستان در آن جمع می‌شدیم تعطیل شد و آن رشته دانشگاهی در بعضی دانشگاه‌ها جمع شد و دانشگاه‌هایی هم که فعال هستند آن شور و شوق لازم را ندارند. الان هم برخی از شاعران فراتر از نهاد و ارگان و بر اساس وظیفه باوری و اعتقادی‌شان همچنان کار می‌کنند که کار سختی پیش‌رو دارند.

به نظرتان نمی‌توانیم یک جریان ادبی مستقل خارج از نهاد و مؤسسات داشته باشیم؟

وقتی در جامعه حوزه‌های مختلف شعر دارید و کنگره‌ای که ۲۰ دوره برگزار شده ناگهان شش سال برگزار نمی‌شود عملاً برخی از شاعران فکر می‌کنند حالا باید در موزه دنبال این حوزه بگردند. هر چند هنوز که در شهر قدم بگذارید جانبازان و خانواده شهدا را می‌بینید اما برخی فکر می‌کنند در شرایط کنونی باید به مسائل دیگری که اولویت دارند بپردازیم و خیلی به جنگ نپردازیم. زمانی این اتفاق می‌افتد که آن موضوع در جامعه به عنوان دغدغه مطرح شود. این اتفاق به شرطی خواهد افتاد که دغدغه شاعران و مردم و مسئولان باشد. توانسته‌ایم این موضوع را دغدغه مردم کنیم و خوب هم جواب داده است بعد یکباره این را از حیطه دغدغه مردم خارج کرده‌ایم و همین باعث می‌شود از دغدغه شاعران هم خارج شود. این سؤالی که شما مطرح می‌کنید درست و ایده‌آل است ولی همیشه بین واقعیت و ایده‌آل تفاوت‌هایی وجود دارد و بخشی از ایده‌آل‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. بخشی از شاعران هم فارغ از تمام مسائل کار خودشان را می‌کنند و شعرشان را می‌گویند اما وقتی یک کنگره برگزار می‌شود و ۳۰۰ شاعر دور هم جمع می‌شوند و چندین روز کنار هم هستند بر اساس اصل سرایت که یک اصل خیلی جدی در انتقال اندیشه و احساسات و تفکر و تخیل است، اتفاقات خیلی خوبی می‌افتد و شعرهای خیلی خوبی سروده می‌شود اما وقتی هر کسی را بگذارید دنبال کار خودش برود برخی که هنوز دغدغه‌شان دفاع مقدس است به آن می‌پردازند و برخی دیگر نه اینکه دغدغه دفاع مقدس نداشته باشند، بلکه دغدغه‌های دیگری هم دارند و به آن می‌پردازند. من معتقدم برای هر کاری نیاز به انگیزه داریم. وقتی صدها جشنواره مختلف در کشور داریم چرا نباید جشنواره شعر دفاع مقدس داشته باشیم و موضوع به این مهمی از اولویت مسئولان خارج شود.

آیا در شعر دفاع مقدس جریانی با عنوان جریان ضدجنگ وجود دارد؟

اینکه بخواهیم در جامعه ادبیاتی با عنوان ادبیات ضدجنگ را ببینیم این ادبیات وجود ندارد. جریانی وجود دارد که می‌گوید ارزش‌هایی که در دوران دفاع مقدس وجود داشت، چه شد. به نابسامانی‌ها اعتراض می‌کند و این در واقع ادبیات اعتراض است. از یک زاویه دیگر که نگاه کنیم این ادبیات دفاع از ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس است. اگر کسی در یک جایی بگوید چرا ارزش‌های انقلاب زیر سؤال رفته این آدم انقلابی است. در تعریفی که از شعر دفاع مقدس می‌کنیم می‌گوییم بخشی از شعر انقلاب شعری است که به دفاع از ارزش‌های انقلاب می‌پردازد و نادیده گرفتن ارزش‌های انقلاب را مورد سؤال قرار می‌دهد. انقلاب به خاطر این ارزش‌ها صورت گرفته و بخشی از شعر انقلاب به خود انقلاب و بخشی به شخصیت‌های انقلاب برمی‌گردد. بخشی از شعر انقلاب هنوز از ارزش‌های انقلاب دفاع می‌کند و اگر در جایی ارزشی نادیده گرفته شده باشد فریاد می‌زند. اتفاقاً این جریان اصیل انقلاب است که بچه‌های دلسوز انقلاب و دفاع مقدس هستند و با شعر از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و دفاع مقدس دفاع می‌کنند.

یعنی شما قائل به ادبیات ضد جنگ نیستید؟

خودم در کنگره شعر دفاع مقدس قصر شیرین با برخی از بچه‌ها صحبت کردم که جریانی را تحت عنوان ادبیات صلح هم راه بیندازیم. به هر حال جنگ یک پدیده ناگزیر در تمامی جوامع است و ادبیات خاص خودش را دارد. جنگ یک واقعیت اجتماعی است و در طول تاریخ بوده و خواهد بود. کمتر آدمی پیدا می‌شود که بگوید جنگ چیز خوبی است و حتی یک فرمانده در جنگ به دنبال پایان یافتن جنگ است. هیچ کس جنگ را خوب نمی‌داند و برای همین در اولین دوره‌های نام کنگره، کنگره شعر جنگ بود بعد با توجه به اینکه که ما جنگ‌طلب نبودیم و جنگ را شروع نکردیم کنگره شعر جنگ به کنگره شعر دفاع مقدس تبدیل شد. شعری که ما الان از آن حرف می‌زنیم بحث دفاع است و جنگ نیست.

اگر بخواهید شعر شاعران نسل اول و دوم را با شعر نسل کنونی مقایسه کنید، آیا شعر جوانان به لحاظ کیفی را می‌پسندید؟

شاعرانی که الان هستند بیشتر به شعر تبیینی، تحلیلی و اجتماعی علاقه دارند. شعرهای خوبی با نگاه و زبان و دغدغه‌های جدید سروده می‌شود. مثلاً از یک جانباز شیمیایی روی تخت یا از یک مادر شهید صحبت می‌کند و به نظرم شعر امروز دفاع مقدس شعر به روز و دغدغه‌مند و قابل احترامی است. کارهای خوبی مخصوصاً در بین خانم‌ها سروده شده که قابل ستایش است.

اشعاری که شاعران جوان در فضای مجازی منتشر می‌کنند را دنبال می‌کنید؟

معتقدم کیفیت آثار خوبی که در فضای مجازی منتشر می‌شود بالا نیست و البته این اشعار همه ادبیات ما نیست. چون همه آدم‌هایی که در حوزه ادبیات فعالند در فضای مجازی فعال نیستند یا همه شاعران در فضای مجازی اندیشه‌های خودشان را به نمایش نمی‌گذارند. مثلاً خودم همه اشعارم را در فضای مجازی منتشر نمی‌کنم یا اگر غزلی بگویم همه غزل را در فضای مجازی نمی‌گذارم. به همین خاطر نمی‌توان با دیدن فضای مجازی راجع به شعر یک نفر به طور کلی قضاوت کرد چه برسد بخواهیم راجع به کل ادبیات کشور قضاوت کنیم.

> معتقدم کیفیت آثار خوبی که در فضای مجازی منتشر می‌شود بالا نیست و البته این اشعار همه ادبیات ما نیست. چون همه آدم‌هایی که در حوزه ادبیات فعالند در فضای مجازی فعال نیستند یا همه شاعران در فضای مجازی اندیشه‌های خودشان را به نمایش نمی‌گذارند

کار جوانانی را که شاید فضای جنگ را ندیده‌اند، چطور می‌بینید و آیا اشعارشان امیدوارکننده است؟

در این زمینه دو نگاه است. یک نگاه می‌گوید کسانی که جنگ را ندیده‌اند چه می‌خواهند بگویند. اگر بخواهیم با این حرف استدلال کنیم می‌گویم کسانی که عاشورا را ندیده‌اند چه می‌خواهند بگویند. ما خیلی چیزها را ندیده‌ایم و راجع آن شعر می‌گوییم. امیرکبیر را هم ندیدیم ولی درباره اقداماتش حرف می‌زنیم. پیامبر اکرم(ص) را هم ندیدیم ولی شعر نبوی می‌گوییم. ما چون حضرت زهرا(س) و غدیر را ندیده‌ایم و پس باید سکوت کنیم. ندیدن به معنای اینکه نمی‌توانیم بگوییم نیست. خیلی‌ها دفاع مقدس را ندیده‌اند ولی آثار و اثرات دفاع مقدس را دیده‌اند و کتاب‌های نوشته شده در این حوزه را خوانده‌اند و می‌توانند بر اساس اطلاعاتشان حرف بزنند. این یک سؤال انحرافی است که در جامعه رواج پیدا کرده که شما که جنگ را ندیده‌اید چه می‌گویید؟ این به نظرم سفسطه و اشتباه است.

چشم‌انداز انجمن شاعران دفاع مقدس را چطور می‌بینید؟

این انجمن در راستای دفاع از ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس به وجود آمده و نامش «انجمن شعر انقلاب و دفاع مقدس» است. در این انجمن دنبال این هستیم سروسامانی به شعرها داده شود و شعرا با هم هماهنگ شوند و مباحث ادبی در حوزه دفاع مقدس را هماهنگ کنند و شاعرانی را که دغدغه‌هایی از این جنس دارند دور هم جمع کنند و فضایی باشد تا کارها هماهنگ‌تر و سازمان‌یافته‌تر انجام شود.

کنگره شعر دفاع مقدس در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

جز یکی دو استان که شرایط برگزاری جشنواره استانی را ندارند حدود ۳۰ جشنواره استانی داریم و منتخبان استانی به کنگره شعر دفاع مقدس راه پیدا می‌کنند و آثارشان داوری می‌شود و کنگره در نیمه اول شیراز در اسفند برگزار می‌شود. با شرایطی که تازگی به وجود آمده از یک سال پیش بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس به این نتیجه رسید این کنگره را دوباره فعال کند. جلسات زیادی برگزار شد و دوستان زیادی آمدند و رفتند و نظر دادند تا نهایتاً در شرایط کنونی این اتفاق بیفتد.

گفت‌وگو

گزارش «جوان» از حضور در منزل شهید علی محسنی‌زرین

عصای دستمان بود ولی آرزوی شهادت داشت

فریده موسوی

پدر شهید علی محسنی زرین می‌گوید: «معمولاً پسرها از پدرها می‌آموزند، اما گاهی اوقات این پدرها هستند که از پسرها یاد می‌گیرند و عمل می‌کنند. وقتی علی به جبهه رفت، من هم تشویق شدم تا همپای او به جبهه بروم. در واقع پسرم مشوق من برای جبهه رفتن بود.» گزارش ما از حضور در منزل شهید محسنی زرین و گفت‌وگو با پدر و مادر شهید را پیش رو دارید.

خانه شهید محسنی‌زرین در کوچه‌ای قرار دارد که به نام این شهید است. کوچه شهید علی محسنی‌زرین از یک طرف به خیابان قلعه مرغی راه دارد. آدرس سرراست است و خیلی زود به خانه شهید می‌رسم. پدر و مادرش هر دو سن و سالی را پشت سر گذاشته‌اند و مادر همان ابتدای کار می‌گوید چیزی به خاطر ندارد اما پدر شهید با وجود اینکه در دهه هشتم زندگی‌اش قرار دارد، با ما وارد گفت‌وگو می‌شود.

> از همرزمان پسرم شنیدم که او به اتفاق سه نفر از دوستانش آرپی‌جی‌زن بودند. در اثنای عملیات چند اسیر از دشمن می‌گیرند که مورد تشویق فرماندهان قرار می‌گیرند اما کمی بعد فشار دشمن زیاد می‌شود و یک ترکش به گردن علی می‌خورد. پسرم به آرزوی دیرینه‌اش می‌رسد

عکس دو نفره

روی دیوار اتاق پذیرایی تصویر شهید محسنی‌زرین به همراه عکس پدرش به چشم می‌خورد. پدر شهید با اشاره به این عکس می‌گوید: این آخرین عکس دو نفری من و پسرم است. قبل از آخرین اعزام، علی از من خواست عکسی به یادگار بیندازیم. نمی‌دانستم این عکس حسرتی برایم در پی خواهد داشت چون بعد از آن علی رفت و دیگر روی پاهایش به خانه برنگشت. از پدر شهید می‌خواهم خودش و خانواده‌اش را معرفی کند. می‌گوید: من صمد محسنی‌زرین هستم. ۸۰ سال دارم. خدا به من و همسرم هشت فرزند داده بود. می‌گویم داده بود چون علی، اولین فرزندمان در سال ۶۲ به شهادت رسید.

درس جبهه

حاج صمد خودش از یادگاران دفاع مقدس است. جبهه رفته و در این خصوص می‌گوید: وقتی پسرم می‌خواست به جبهه برود، اول مخالفت کردیم اما دلایلی آورد که نتوانستیم روی حرفش حرف بزنیم. علی می‌گفت امروز در شرایطی نیستیم که بخواهیم فقط به فکر خودمان و راحتی‌مان باشیم. هر کسی باید به نوبه خودش برای این کشور کاری انجام بدهد. جنگ است و کسی نباید از زیر بار آن شانه خالی کند. پدر ادامه می‌دهد: وقتی شور و شوق علی برای رفتن به جبهه را دیدم، تصمیم گرفتم من هم به جبهه بروم. آن موقع عیال‌وار بودم. چند بچه قد و نیم قد داشتم، اما نمی‌شد جوان‌ها بروند، پیرها بروند و ما هیچ کاری نکنیم. علی به من یاد داد که اگر قرار باشد هر کسی به خودش و خانواده‌اش فکر کند، آن وقت چه کسی باید از کشورمان دفاع کند. این درسی بود که از پسرم یاد گرفتم.

جوان سر به زیر

حین گفت‌وگوی ما مادر شهید بغض می‌کند. بیشتر دوست دارد شنونده باشد تا گوینده اما گاهی خاطره‌ای به ذهنش می‌رسد و آن را بیان می‌کند. مادر می‌گوید: علی من سال ۴۲ در اهر به دنیا آمد. باقی بچه‌ها را در تهران به دنیا آوردم. علی یک جوان خوب و سر به زیر بود. نماز و روضه‌هایش ترک نمی‌شد. نماز شب هم می‌خواند. این جوان‌ها ذات پاکی داشتند و جنگ این خوبی‌ها را صیقل داده بود. پدر شهید هم ادامه می‌دهد: زمستان سال ۶۲ عملیات خیبر در جنوب رخ داد. آن موقع من جبهه نبودم. علی برای سومین بار به جبهه رفته بود. او و همرزمانش در طلائیه وارد عمل شده بودند. گفته می‌شد در آن محور تلفات زیادی داده‌ایم. فکر نمی‌کردم علی من جزو شهدا باشد اما کمی بعد خبر آوردند که او هم به شهادت رسیده است. روزی که خبر شهادتش را شنیدم، تمام خاطراتش از کودکی تا جوانی یک به یک در ذهنم مرور شد. روز آخری که می‌رفت من ۵۰۰ تومان پول روی طاقچه گذاشتم تا بردارد اما فقط ۲۰ تومان برداشته بود. بچه قانعی بود. می‌گفت آدم باید به قدر مایحتاجش بردارد و استفاده کند.

عصای دست پدر و مادر

به فصل شهادت که می‌رسیم، مادر و پدر هر دو بغض می‌کنند. سال ۶۲ آنها عصای دستشان را از دست می‌دهند. جوانی که اهل و به راه بود و آنها را در تمام امور زندگی یاری می‌کرد. پدر می‌گوید: از همرزمان پسرم شنیدم که او به اتفاق سه نفر از دوستانش آرپی‌جی‌زن بودند. در اثنای عملیات چند اسیر از دشمن می‌گیرند که مورد تشویق فرماندهان قرار می‌گیرند اما کمی بعد فشار دشمن زیاد می‌شود و یک ترکش به گردن علی می‌خورد. پسرم به آرزوی دیرینه‌اش می‌رسد. علی عصای دستم بود ولی آرزوی شهادت داشت.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۵۷۶

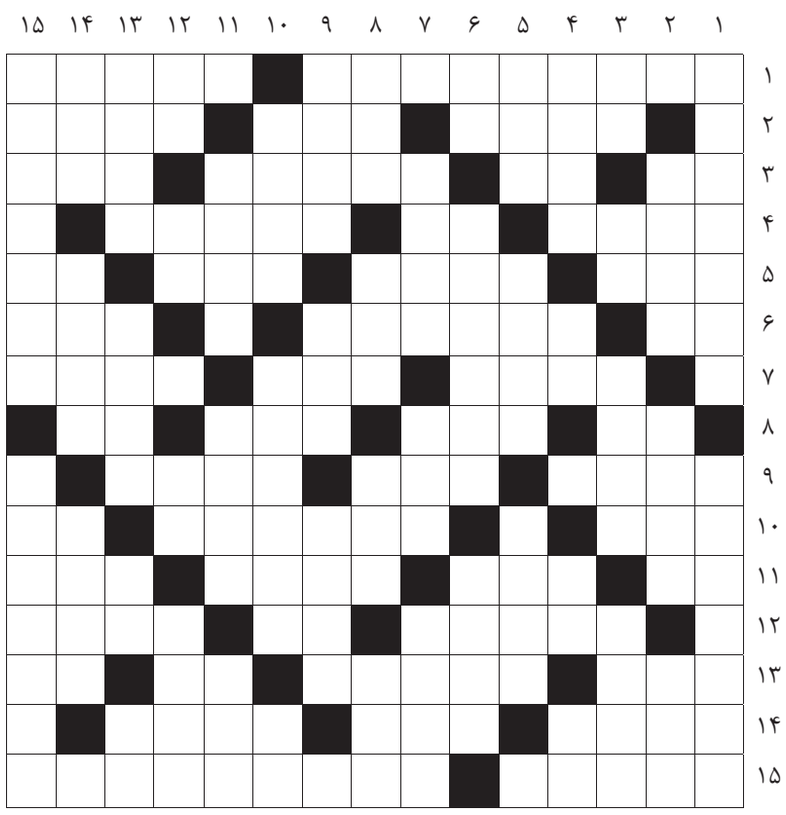

از راست به چپ

■۱- نویسنده رمان تام سایر- دریاچه‌ای در آفریقا ■۲- کناره دریا- گوالیدن- جامه ■۳- حسرت کویر- صنم- به برنده مسابقه داده می‌شود- نوعی برادر و خواهر ■۴- بهره‌مند- تکرار حرفی- مهم‌ترین محصول صادراتی کوبا ■۵- واحد بازی والیبال- گواه- از درختان جنگل‌های شمال- نام قدیم یزد ■۶- هنوز انگلیسی زبان- کاسب دوره‌گرد- پشت سر ■۷- تخته رنگ نقاشان- قلمه درخت- از گل‌های خوشبو به رنگ زرد ■۸- ضمیر اشاره- سال آذری- از مناطق آزاد کشورمان- امر به گفتن می‌کند ■۹- از شهرهای کشور آذربایجان- سرمایه بدن- محوطه سرپوشیده ورزشی ■۱۰- پول نقد- کم‌ترین مقدار- ویتامین جدولی ■۱۱- حرف فاصله- صندلی سوارکاری- سیاره بهرام- جبل ■۱۲- کوچه مسدود- ورزشی مفید و کم هزینه- تیم فوتبالی قدرتمند در قطر ■۱۳- نخست‌وزیر اسبق انگلیس- آینه چون نقش تو بنمود راست /خود شکن ... شکستن خطاست- حرف خطاب- رمق آخر ■۱۴- پول روسیه- دودکش آشپزخانه- گوشت بریان شده ■۱۵- پیش خدمت رستوران- استفاده از آشنایان یا نفوذ دیگران برای پیشبرد اهداف و کارهای شخصی

از بالا به پایین

■۱- حد وسط- پدر صنعت چاپ ■۲- کوچک‌ترین گروه واحد اطلاعاتی در رایانه- اشاره به مکان- پرچم ■۳- خاک کوزه‌گری- دریا- دست و ناخن جانوران درنده- وحشی و غیرتمدن ■۴- مجموعه چند سیم روپوش‌دار- قلب دوم- کدبانوی خانه- پژمرده و بی‌حال ■۵- زیر- کشور مس- پارچه‌ای گرانبها ■۶- یار شیرازی- دریایی در شمال اروپا- نوعی معامله ■۷- پیشانی میدان جنگ- کاپیتان پیشین بایرن‌مونیخ- داخل لاستیک اتومبیل ■۸- شهری در آلمان- پست و فرومایه- چرک و کثافت- نوعی برنج ایرانی ■۹- شهری نزدیک اردبیل- تخم شپش- تارمی چوبی یا فلزی ■۱۰- مهره مقتدر شطرنج- بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان- تن‌پوش مردانه ■۱۱- خلیفه عباسی دوران امام محمد باقر (ع)- عالی و بلندمرتبه- گسترده‌ترین رنگ در عرصه گیتی ■۱۲- پهلوان- کشور ور افتاده!- تکیه بر پشتی- آمدن ■۱۳- ناقص و ناتمام- اتاق قطار- بز کوهی- آش ■۱۴- دیدنی رژه- هر گردی نیست- بالش روی کاناپه ■۱۵- دانشجوی پزشکی تخصص در بیمارستان‌ها- اداره مأمور حفاظت از راه‌های خارج شهر

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۲	۷		۵			
۶		۳						۷
						۱	۹	۸
			۶		۷			
۲	۵		۴					
						۹	۴	۶
			۲	۱				
۹	۴					۶		
						۴	۷	

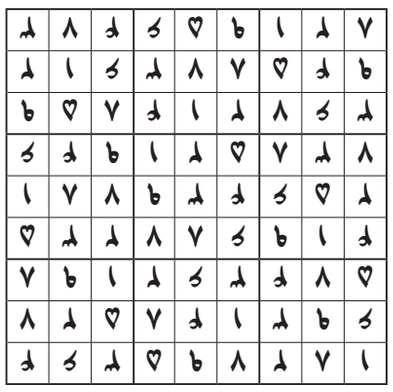

جدول کلمات متقاطع
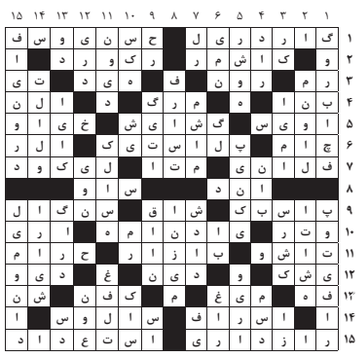
پاسخ جدول شماره ۵۵۷۵